اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

**عرض شد مرحوم شیخ از مجموعه‌ی روایاتی صحت عقد فضولی را درآوردند یکی هم روایات باب مضاربه بود روایات باب مضاربه که عرض کردیم در کتاب وسائل آورده و معارض هم ندارد این روایات در معارضش یک مقدار در کتب اهل سنت عن علی نقل شده معارض نداریم در این روایت دارد که اگر مضاربه‌ای انجام داد و به ایشان شرطی کرد که مثلا در فلان وادی نرو حالا همین مثال عرفی را بزنیم گفت این جنس را این پول را بگیر برو شام از راه جاده هم برو بعضی جاها اگر بخواهی میان بر بروی می‌شود میان بر رفت بروی در صحرا از آن طرف جاده سر در بیاوری لکن چون صحرا خطرناک است از صحرا نرو شرط من با تو این است که از صحرا نروی و بروی از راه به اصطلاح خود جاده ، حالا اگر رفت و مال تلف شد، دزد گرفت آن را فتوا بر این است ، فتوای صحابه که این ضامن است این ضمانش را متفق علیه هستند این قسمت را که خلاف شرط کرد متفق علیه هستند قسمت دومی که این حکم دارد این است که اگر سالم ماند و ربح کرد این بینکما مخصوصا اگر این ربح را ربح مسمی بگیریم نه ربح مثل بگیریم اینجا شدیدا علمای اسلام اختلاف دارند .**

**چند قول نقل کردیم چرا چون در این مورد اصولا کلا در این مضاربه چیزی از پیغمبر نقل نشده در زمانش از صحابه نقل شده اما در بقیه‌ی احکامش نه .**

**یکی از حضار : خود عباس که در زمان خودشان می‌دانستند که چه کار می‌کنند ما الان نمی‌دانیم حالا عباس مضاربه‌ای که می‌داده می‌دانسته که سود می‌کرده اتفاق افتاده می‌دانسته خودش باید**

**آیت الله مددی : ظاهرش این است که شرطی که کرده انجام دادند ربح کردند ظاهرش این است درش ندارد که خلاف شرط کردند**

**یکی از حضار : خودشان می‌دانستند زمان عباس اختلافی نبوده وقتی که ربحی کرده می‌دانسته مضاربه را انجام می‌دادند الان ما نمی‌دانیم که حکم اسلام چیست و الا خود عباس یا دیگران که مضاربه می‌دادند به هر حال اتفاق افتاده یکی از بی راهه رفته**

**آیت الله مددی : رفته اما اینکه سالم مانده ، رفت از بی راهه سالم ماند**

**یکی از حضار : آیا خود عباس نمی‌دانست که با او چه کار بکند ؟ دعوا می‌کردند ولی در مضاربه‌ای**

**آیت الله مددی : چرا دعوا بکنند ؟**

**یکی از حضار : آخر حکم را نمی‌دانند دیگر ، آخر من ضامن اصل نیستم**

**آیت الله مددی : می‌گویم آن که در روایت دارد این است که آن برای عباس را شرطش را پیغمبر قبول کرد نگفت اگر مثلا خلاف شرط شد چه کار می‌شود کرد**

**یکی از حضار : خود پیغمبر نه خود عباس و دیگران که مضاربه می‌دادند و زیاد هم بود خود عرب می‌دانست که چه کار بکند**

**آیت الله مددی : خوب شاید از اینکه صحابه گفتند ضامن است اگر عباس از صحابه می‌پرسید می‌گفتند آقا ضامن است شاید خود او هم**

**یکی از حضار : نه از صحابه نه یک اتفاق می‌افتاد اصلا زمان جاهلیت بگوییم عباس می‌دانسته چه کار می‌کند ، عباس می‌دانسته دیگران مضاربه می‌دادند کامل روشن بوده است**

**آیت الله مددی : عرض کردم عزیز من در روایت مبارکه آمده که شرط را پیغمبر اجازه دادند اما اگر حالا آثار این شرط چیست سکوت است نداریم در روایت ، ما در روایت داریم در اقوال در باب نفاس که اقل نفاس هجده روز است چون محمد بن ابی بکر که به دنیا آمد مادر رفت حجة الوداع با رسول الله سال دهم هجرت روز هجدهم وضع حمل ، پرسید از حضرت ، حضرت فرمود از نفاس درآمدی آن وقت اهل سنت تمسک کردند که اقل نفاس هجده روز است در روایت ما دارد که این روز هجدهم سوال کرد نه اینکه اقلش هجده روز است اگر روز دهم هم سوال می‌کرد پیغمبر می‌فرمودند نفاس تمام شده است . دقت کنید این مادر محمد ابی بکر روز هجدهم سوال کرد حالا اگر روز دهم سوال می‌کرد که اکثر حیض باشد باز هم می‌فرمودند تمام شده است .**

**ببینید دو بحث است سوال چه شده آن که واقع شده چه شده آن وقت در اینجا مرحوم شیخ استیناسش این است که چون شرط کرده و خلاف شرط کرده این معامله باطل است مع ذلک گفته ربح له این یک معامله‌ی جدید و یک مضاربه‌ی جدید است به نحو فضولی ایشان خواستند از راه فضولی این را اثبات کنند غایة ما فی الباب درش اجازه نوشته نشده در روایت اجازه نیامده است پس بگوییم این به نحو فضولی درست است و این قدر این درست است که حتی اجازه هم ندهد درست است .**

**یا از آن راهی که ما رفتیم چون نفرمود که این ربح باطل است پس معلوم می‌شود فضولی باطل نیست حالا به هر حال یکی اینجا .**

**عرض کنم که مطلب شیخ قدس الله نفسه که اثباتش انصافا مشکل است خود ایشان هم خوب توجه فرمودند یعنی خیلی بعید است و لذا اولا اینجا معامله واقع شده با آن قرارداد بسته که آقا شما بلند بشو برو طرف شام این جنس را بخر بیاور این قدر می‌فروشیم ربح هم بین من و شما پنجاه ، پنجاه این معامله واقع شده است و این هم این کار را کرده این شخص .**

**آن چه که در اینجا اتفاق افتاده یک شرطی با او کرده که از صحرا نرو یا حیوان نخر ، حیوان زنده نخر ، حیوان زنده در شرف تلف است . حالا ایشان خلاف شرط کرد رفت شام حیوان زنده هم خرید آمد سالم ماند تا مدینه سالم ماند در اینجا صدق فضولی خیلی مشکل است چون واقعا قرارداد بسته این که فضولی نیست که بعد هم اضافه‌ی بر او در باب فضولی معیارش این است که طرف اصلا خبر ندارد این خود مالک پول را به او داد عملا پول به او داد گفت آقا این صد هزار درهم بگیر برو شام برای ما فرض کنید مثلا من باب مثال سماورهای نفتی بخرید چه بخرید حیوان نخر این رفت شام تصادفا پانصدتا گوسفند هم خرید همه را سالم آورد مدینه ، اینجا خلاف شرط کرده است یا در سفری که می‌روی از صحرا رد نشو ، از صحرا رد شد فلذا در روایت دارد فان سلم و ربح ، فان سلم اگر رفت و سالم برگشت الربح بینهما، این ضوابط فضولی برش صدق نمی‌کند .**

**آنچه که برش صدق می‌کند این است که ایشان به شرط عمل نکرده است ، یک بحثی را مطرح کردیم که در میان ، خواهد آمد ، آیا اگر شرطی فاسد بود مفسد معامله هست یا نه ؟ خوب بحث خودش را دارد و جای خودش باید بررسی بشود در اینجا دقت کنید ما یک مقدمه‌ای را خواندیم اگر یاد مبارکتان باشد از کتاب مغنی ابن قدامه این شرطی که این نخر این را گفت صحیح است خوب دقت کنید ، این شرط فاسد هم نیست ، دقت می‌کنید ؟ این شرط فاسد هم نیست و دلیل بر اینکه فاسد نیست پیغمبر قصه‌ی حضرت عباس را اجازه دادند.**

**پس در حقیقت اگر بخواهیم مطلبی را در اینجا بگوییم به شرط عمل نکرده است ، به شرط عمل نکرده است . مرحوم نائینی اگر ذهن مبارکتان باشد گفت این روایت دو طائفه اند یک طایفه‌اش نهی از سفر است یعنی معامله کرده گفته این کار ، مثل اینکه نائینی بخواهد بگوید در حقیقت نائینی این طور می‌خواهد بگوید این در حقیقت دو تا معامله است ، یک معامله که ببر این را حریر بخر چه بخر پارچه بخر پوست بخر سود پنجاه پنجاه ، معامله‌ی دوم از این منطقه سفر نکن ، ایشان می‌خواهد بگوید که اگر از آن منطقه سفر کرد و تلف شد این جا به خاطر اینکه مخالفت با این دومی کرده ضامن است ، خوب دقت کنید .**

**اما اگر سود برد و جنس را آورد به مدینه به خاطر اینکه با خود عقد موافقت کرده ربح بینهما ، اشکال کلام نائینی در حقیقت در این قسمت این است که ، البته اگر مراد مرحوم نائینی این باشد من نمی‌توانم نسبت بدهم به ایشان اگر مراد مرحوم نائینی این باشد که اینجا این که نهی از سفر کرده خودش یک مطلب مستقلی است کانما دو تا قرارداده با ایشان یکی اینکه این جنس را بخر سود پنجاه پنجاه ، خوب این انجام شد ، خوب سود پنجاه پنجاه، فضولی هم نیست ربطی به فضولی ندارد .**

**یکی اینکه در این سفر از وادی رد نشو از صحرا رد نشو، حالا آمد از صحرا رد شد مال تلف شد این زمانش به خاطر این نهی است به خاطر این است ، خوب دقت کنید .**

**یکی از حضار : آخر این قرارداد نیست چه نوع قراردادی است ؟**

**آیت الله مددی : آها این مشکل کار ، آن وقت اینجا را ما باید یک کمی شرح بدهیم**

**یکی از حضار : یعنی جای این بحث ترکیبی را در قالب مضاربه مضمون مضاربه و مضمون ترکیبی است گفته اگر تخلف کردی اصل را ضامنی**

**آیت الله مددی : حالا ببینید ما بیاییم این طور بگوییم یک توضیحی اجمالا عرض کنیم حالا ان شاء الله بعد تفسیرش در خیارات چون بحث شروط در خیارات دارد مرحوم شیخ ،**

**ببینید در باب المؤمنون عند شروطهم که عرض کردیم المسلمون عند شروطهم روایات ما صحیحه است عامه هم دارند عمل هم به آن کردند لکن گفتند صحیح هم نیست و الی آخره ، دقت کنید یعنی بخاری و مسلم گفته صحیح نیست نه مثل ابن حزم ، بحث در این است که شرط چیست ، ما یک توضیحات کافی عرض کردیم ، اصولا در قوانین به طور کلی روی التزامات فردی حساب باز می‌کنند لذا آمدیم ما عرض کردیم همیشه دو جور ما اعتبار داریم یکی التزامات فردی شخصی من خودم ملتزم بشوم ، دو الزامات قانونی ، قانون من را ملزم بکند ، من سابقا گفتم التزامات قانونی نه بهتر است بگوییم الزامات قانونی ، الزامات قانونی و التزامات شخصی**

**یکی از حضار : یا اینکه بگوییم التزام در التزام ،**

**آیت الله مددی : آها اجازه بدهید .**

**عرض کردیم اصل اولی در اعتبارات قانونی شخص بما هو شخص حق ندارد چیزی برای خودش قرار بدهد حق ندارد اعتبار بکند ، این حق قانون است که اعتبار بکند ، شخص نمی‌تواند قانون بکند مثلا من ملتزم می‌شوم نماز شب بخوانم حق ندارم چنین کاری نماز شب برای خودش واجب می‌کند، حق ندارد چیزی را برای خودش واجب یا حرام بکند این جزو اصول اولیه‌ای است که الان در قوانین روی آن حساب می‌کنند، لذا چون التزامات قانونی اصل اولش فساد است و لذا مرحوم شیخ می‌گوید اصالة الفساد در معاملات یا در بیع ، مراد از اصالة الفساد این است ها ، یعنی اصل اولیه شما هر التزامی بدهید من التزام مثلا این تسبیح قیمتش در بازار هشتاد تومان است ، من می‌آیم با شما اتفاق می‌کنم بکنیم دویست تومان این التزام است دیگر آیا این درست است یا نه اصل اولی نه ، چون این خلاف قیمت خودش است .**

**آن وقت قانون می‌آید این کار را می‌کند ، یکی از کارهای قانونی برای حفظ جامعه عده‌ای از التزامات شخصی را اجازه می‌دهد نذر می‌کند نذرت اگر لله بود اجازه می‌دهد برای صنم و بت بود اجازه نمی‌دهد شرط می‌کنیم شرط اگر بخواهد قانون را دور بزند اجازه نمی‌دهد شرط اموری باشد که خاص امورش هم باشد دارای شرایط خاصی باشد اجازه می‌دهد بیع شما را در شرایطی اجازه می‌دهد رهن شما را در شرایطی اجازه می‌دهد و هلم جری این رسمش است دیگر .**

**التزامات شخصی احتیاج به امضاء دارد درست شد ؟ یکی از چیزهایی که شارع امضاء کرده شرط است بیع هم امضاء کرده احل الله البیع ، عهود و عقود ، اوفوا بالعقود ، این ها را امضا کرده است ، اخذنا منکم میثاقا غلیظا عقد نکاح را امضاء کرده است و الا خوب این خلاف است ، من ملتزم می‌شوم شوهر این باشم این هم ملتزم می‌شود زن من باشد ، اصل اولی این است که فاسد است حق ندارد کسی چنین کاری بکند ، باید برگردد به شارع ، شارع این را در صورتی که میثاق غلیظ باشد اجازه داده است ، فرموده درست است این زوجیت حاصل می‌شود ولکن بحث شرط سر این است که آیا شرط مطلق التزام است یعنی من التزام بدهم یک چیزی به آن شرط می‌گویند ؟**

**من التزام می‌دهم ساعت پنج می‌آیم منزل شما من التزام می‌دهم این کتاب را به شما بدهم در مقابل هزار تومان این شرط است یا این عقد است ؟ شرط عبارت است از یک التزام فی التزام ، یعنی التزام هست اما در ضمن یک التزام دیگر این کتاب به شما می‌فروشم به شرطی که برای من یک ورقه نامه بنویسید شرط این است .**

**مرحوم یزدی چند دفعه عرض کردم ایشان با تمسک به عده‌ای از روایات می‌گوید نه التزام ابتدایی هم شرط است ، راست است در روایت هم آمده شرط الله قبل شرطک ، این در روایت آمده ، عنوان شرط آمده است . و لذا معتقدند که مثل المؤمنون عند شروطهم عقود را هم شامل می‌شود دقت کردید نتیجه چه شد ؟**

**ما اگر آمدیم گفتیم شرط یک التزام مستقل است ، این عقد مضاربه کجایش مشکل پیدا کرد چون شرط است ، شرط هم التزام فی التزام نمی‌شود بگوییم نهی از سفر کرده که مرحوم نائینی فرمود مضاربه را محدود می‌کند دقت کردید ؟ التزام در التزام .**

**شما برو سفر برای من فلان چیز را بخر بیاور اینجا بفروش پنجاه پنجاه سود این التزام را محدود می‌کند که از بیابان رد نشو ، این مشکل این قصه اینجاست خوب دقت کنید . شاید مرحوم نائینی با یک ارتکاز خاصی می‌خواهد یک چیز دیگری بگوید ، بگوید بعید نیست در اینجا که این جا این نهی از سفر خودش التزام باشد التزام فی التزام نباشد آن وقت بیاییم آن حرف آقای خوئی هم که فرمود این حکم علی خلاف القاعده است بگوییم خلاف قاعده‌اش اینجاست آن نکته‌ی خلاف قاعده‌اش این است .**

**حالا این را چطوری می‌توانیم قاعده مند کنیم و در دنیای حقوق و قانون و قراردادها بکشیم و درستش بکنیم یا خرابش کنیم نکته را نمی‌دانم ملتفتید ؟ اینجا ببینیم چه واقع شده است اولا ایشان عقد مضاربه بست این عقد که مشکل نداشت که ثانیا ایشان طبق و ایشان بر ایشان شرط کرد که در سفر از صحرا رد نشو ، این هم بود راست است .**

**ثالثا ایشان مال را به ایشان داد یعنی آن عقدی را که با ایشان انجام داده بود عمل هم به او کرد خوب دقت کنید آن مالی را که به ایشان داده بود یعنی گفته بود مضاربه بکن با صد هزار تومان آن صد هزار تومان را هم فعلا به او داد این پول را هم به او داد پس عقد لفظی واقع شده عملا هم این کار را در اختیارش قرار داده است . آن وقت بیاییم بگوییم در این جور جاها که عقد لفظی واقع می‌شود خوب نکته را دقت کنید عمل هم به او می‌کند، عملا انجام می‌دهد در حقیقت شرط می‌شود یک التزام مستقل .**

**این که مرحوم نائینی می‌خواهد بگوید ملتفت شدید چه می‌خواهم بگویم ؟ این نکته ای است حالا این اگر بشود یک بابٌ دیگر خلاف قاعده هم نمی‌شود اگر این مطلب این طور شد بگوییم این فهم عرفی این را می‌فهمد و لذا حالا فروعی که بر مساله بار می‌شود اگر به ایشان گفت آقا شما این پول را بگیر برویم به طرف شام از جاده هم بریم به بیابان هم وارد نشویم میان بر هم وارد نشویم درست شد ؟ ایشان رفت میان بر هم وارد شد اما سالم ماند پول هم سالم ماند رسید به شام حالا فرض کنید مسافرخانه هتل هر جا رفت اختیار کرد که مشغول خریدن متاع بشود دزد شب آمد و پول را دزدید .**

**ببینید خلاف شرط کرد اما آن خلاف شرط معامله را خراب نکرد اگر از جاده می‌رفت ، دزد پول را می‌دزدید چون امین است ضامن نیست ، دقت کردید ؟ آیا اینجا ضامن است یا نه من نشد در کتاب سنهوری از نظر قوانین جدید این را نگاه کنم که آیا در قوانین جدید این را چه حکم می‌کنند ؟ نمی‌دانم ملتفت شدید چه می‌خواهم بگویم ؟**

**مضاربه پول را داد مضاربه عقد را هم بست و عملا هم طبق آن مضاربه عمل کرد خوب دقت کنید ، بگوییم در این جور موارد در حقیقت شرط منحل می‌شود به یک التزام مستقل این که مرحوم نائینی می‌گوید نهی از سفر است این شاید با این ارتکازش بوده ، یعنی آن که منشاء مشکل بود سفر به داخل صحراست روشن شد ؟ حالا این پول در شام حالا صرورت شد پول را هم ندزدیدند دقت کردید ؟ رسید به شام اگر گفتیم این فقط نهی از سفر بود اصل مضاربه درست بود قاعدتا ضامن نیست این خیلی اثر دارد ها .**

**در شام پول را دزدیدند نه در راه ، آیا در این جا چون خلاف شرط کرده است چون شرط التزام فی التزام بود دیگر نمی‌دانم نکته‌ی فنی ؟ این که آقای خوئی هم دارند یک توجهات فقاهتی دارند که باید یک نکته‌ای در اینجا باشد که امام می‌گوید الربح بینهما این معامله را امام می‌خواهد تصحیح بکند خوب یکی دیگر از لوازم الربح بینهما اگر پول در شام دزدیده شد ضامن نیست نمی‌گوید از لوازمش است . الان هم خودم چیزی نمی‌توانم بگویم هر چه فکر کردم فکرم به جایی نرسید .**

**یا شرط کرد با ایشان که حیوان زنده نخر مثل همین شرطی که عرض کردم حیوان زنده هم خرید آمد شام در شام پولش را دزدیدند این ربطی به حیوان زنده نداشت ، حیوان زنده را بعد آورد مدینه ، لکن چون شرط کرده بود حیوان زنده نخر و شرط التزام فی التزام پس بگوییم این مضاربه فاسد شد حالا که پولش را دزدیدند ضامن است ، نمی‌دانم نکته‌ی فنی روشن شد ؟**

**ما می‌خواهیم بگوییم در اینجور جاها که عمل به شرط نمی‌کند شرط آیا یک قرار جدیدی می‌شود یک تعهد جدیدی می‌شود خود شرط.**

**یکی از حضار : خوب اصالة الفساد در معاملات می‌گیرد اگر**

**آیت الله مددی : اصالة الفساد اگر نتوانیم طبق قاعده درست بکنیم ، مستقل اگر ، نه مستقل شده اشکال ندارد این شرط که صحیح است این را که عرض کردم . یک بحث این است که آیا این شرط صحیح است یا نه بله صحیح است .**

**یکی از حضار : نه التزام در التزامش صحیح است نه التزام مستقلش این اصل**

**آیت الله مددی : ها ببینید نه آن نکته‌ی مقدمش را عنایت نکردید .**

**یک عقد مضاربه بسته دو طبق عقد هم عمل کرده دقت کنید نکته این است ، عملا پول را به او داده راضی هم بوده یعنی بگوییم این جور جا خواهی نخواهی مثل این جور شرط‌ها می‌شود مستقل صحبت سر این است . نمی‌دانم حالا خودمان که نتوانستیم ، از من سوال بکنند نمی‌توانم حکم کنم که آیا این ضامن هست ، فرع روشن شد برای شما ؟**

**یکی از حضار : شاید بشود تفصیل بین شروط قائل شد یعنی یک شرطی است**

**آیت الله مددی : پس می‌شود کم کم به این قاعده فکر کرد .**

**این نائینی که می‌گوید یکی‌اش نهی از سفر است شرطش نهی ، دقت کردید ؟ ایشان باید یک تکمیلی این کلام روشن شد کلام ؟ من فکر می‌کنم شاید مرحوم نائینی به آن ارتکاز فقاهتی‌اش این احساس را بکند که این شرط دیگر التزام فی التزام نیست ، اولا این شرط فاسد نیست که بگوییم شرط فاسد مفسد است یا نه عمل به شرط نکرده است .**

**در اینجا عقد واقع شده لوازم عقد ، پول هم داده شده آقا گفته بلند شو برو شام راضی هم بوده هیچ نکته‌ی خاصی هم نبوده است فقط یک شرطی را گذاشته ، نکته‌ی فنی روشن شد ؟ آیا در این جور جا که عقد واقع شده و شرط محدود است به قول مرحوم نائینی شرط از سفر است یعنی این سفری که از اینجا شروع می‌شود تا می‌رود شام و برمی‌گردد یک تکه‌ی راه میان بر است این شرط از این راه میان بر است این به اصل مضاربه ضرر نمی‌رساند . روشن شد ؟ عقد مضاربه صحیح ، نمی‌دانم واضح شد چه می‌خواهم بگویم ، عقد مضاربه صحیح واقع شده عمل هم به مضاربه ، این که می‌گوید الربح بینهما این نکته‌اش این باشد الربح بینهما یعنی در حقیقت امام می‌خواهند بفرمایند یعنی مطلبی را که من می‌خواهم عرض بکنم این در حقیقت می‌خواهد روی قاعده‌ی خلاف آقای خوئی که می‌فرماید ، حسب ظاهر که خلاف قاعده است بیاییم روی قاعده درستش بکنیم اگر خواستیم روی قاعده درستش کنیم این لوازم را دارد .**

**خلاف شرط عمل کرد خوب دقت کنید ، از آن صحرا رفت لکن سالم ماند .**

**یکی از حضار : آن وقت الان متخلف اگر قرار بود ضرر بکند بالاخره آن را باید قبول می‌کرد .**

**آیت الله مددی : بله آن یک بحث دیگری است الوضیعة علی العامل آن بحث دیگری است سه تا نکته دارد که من دو تایش را تا حالا گفتم یکی اینکه ضامن یکی اینکه ربح بینهما ، آن نکته‌ی الوضیعة علی العامل را هنوز نگفتم یک سه تا نکته دارد اینجا چون وضیعة بر رب المال است در اینجا اگر خلافش شرط کرد می‌گویند علی العامل ، در این صورت علی العامل ، اگر کمبودی بود .**

**یکی از حضار : تاثیر فضولی‌اش هم در همین حالت ممکن است**

**آیت الله مددی : نه دیگر فضولی نیست عقد بسته است**

**یکی از حضار : عقد جدید خوب چیز نکرده است ،**

**آیت الله مددی : عقد جدید نکرده است**

**یکی از حضار : از زمانی که تخلف می‌کنند یعنی**

**آیت الله مددی : نه دقت کنید ، این می‌گوید در این جور جاها این شرط در حقیقت مثل مرحوم سید که می‌گوید شرط التزام ابتدایی است مرحوم سید اصلا می‌گوید شرط در روایت التزام ابتدایی است اصلا**

**یکی از حضار : اگر التزام ابتدایی باشد و عمل نکند یعنی خود به خود ، خود سرانه در اموال**

**آیت الله مددی : تاثیری به آن نمی‌کند ، التزام ابتدایی باشد .**

**دقت کنید بعضی شرط‌ها التزام ، نه همه‌ی شرط‌ها مرحوم نائینی من فکر می‌کنم یک چیزی به ذهنش بوده که نهی عن السفر شرطش نهی از سفر است می‌خواهد بگوید این شرط به مضاربه نخورده است به خود عقد نخورده است یک دفعه می‌گوید آقا من کتاب فروختم به صد تومان خوب دقت کنید ، به شرطی که برای من یک نامه بنویسید دقت کنید**

**یکی از حضار : ذات عقد است ؟**

**آیت الله مددی : اها**

**در آنجا معنایش این است که اگر نامه ننوشت خود بیع را می‌تواند به هم بزند دقت کنید ، چرا ؟ نمی‌دانم ملتفت شدید چه می‌خواهم بگویم ؟ آنجا شرط التزام فی التزام به ذات عقد فروختم صد تومان لکن به این شرط معلقش کردم به این شرط ، شما به شرط عمل نکردید خوب من برمی‌گردانم ، اینجا در حقیقت نمی‌دانم روشن شد در حقیقت اینکه مرحوم نائینی می‌گویند نهی به نفس سفر خورده این یک نکته‌ی دو وجه داشت یک وجهش این بود می‌گفت بعضی از روایات مفادش این است .**

**یکی از حضار : استاد این روایت حضرت را نمی‌توانیم این طور معنا کنیم که مراد حضرت این است که یعنی طرف از حق خیارش تخلف شرط شده است دیگر استفاده نکند دیگر آن موقع الربح بینهما اما اگر استفاده کند و معامله را به هم بزند که دیگر نمی‌شود گفت که الربح بینهما**

**آیت الله مددی : ظاهر الربح بینهما حکم الهی است بحث خیار نیست .**

**یکی از حضار : خوب خیار که ثابت است قطعا چون تخلف شرط است .**

**آیت الله مددی : همین اینجا می‌خواهد بگوید خیار ثابت نیست . تمام نکته همین است .**

**یکی از حضار : اگر نیست این خود مضاربه مفهومش این بود که اگر از بیراهه رفتی و تخلف کردی اصل را ضامن هستی این یک تکه‌ی مضاربه است اگر سالم رسیدی ، یعنی خود مضاربه دو تا اگر دارد ، اگر سالم رسید اگر از بیراهه رفتی، خود این اگر که انجام داده مضاربه را مضاربه را اینجور می‌فهمیده مضاربه یک چنین معامله‌ای است که اگر از بیراهه رفته**

**آیت الله مددی : پس ایشان از بیراهه رفت و رفت شام و جنس هم خرید و آورد ، معامله باطل است دیگر .**

**یکی از حضار : چرا باطل است می‌گوید اگر رفتی و ضرر کردی اصل را ضامن هستی .**

**آیت الله مددی : ها این حرف دوم نائینی بود چون دنبال سود هستم من می‌گوید ارتکاز ماست ، ما روی ارتکاز اشکال کردیم که ارتکاز روی معاملات تاثیر ندارد شبیه این هم در اهل سنت بود سنی‌ها هم آورده بودند ، یک راه نائینی روی ارتکاز رفت ، که ارتکاز آن بحث ، دو تا بحث کرد ایشان دو فرض .**

**یک بحث این است که ارتکاز در باب مضاربه استرباح است سود آوری است حالا او سود آوری کرد گفت از آن راه نرو .**

**یکی از حضار : پس خلاف ذات عقد نیست .**

**آیت الله مددی : ها خلاف ذات ، این دنبال استرباح بوده این کار را کرد اما این منشاء نشد که آن عقد به هم بخورد آن عقد محفوظ است چرا چون سود داشت برایش**

**یکی از حضار : فوقش یک معصیت کرد**

**یکی از حضار : من می‌گویم یک معامله‌ی ترکیبی است یک معامله داریم اگر این کار را کردی این است اگر**

**آیت الله مددی : دقت می‌کنید روشن شد حرف نائینی چیست ، دو معامله نگفت من عرض کردم ، من نسبت نمی‌دهم آقا من خیلی دقیق هستم در نسبت دادن ، این برداشت من که نهی از سفر است و اما اگر بگوییم معامله باطل است درست است اما چون سود داشت با ارتکازش قبول است .**

**یعنی بعبارة اخری معامله که واقع شده معامله‌ی لفظی که انجام گرفت خوب گفت با تو معامله کردم عملا هم اثر معامله را انجام داد پول به او داد در واقع هم سود آورد یک ارتکازی در عقد مضاربه هست که انسان دنبال سود هست خوب سود هم آورد ، پس بگوییم در اینجا چون با ارتکاز عقد هم که واقع شده پس این عقد صحیح است ربح بینهما .**

**این اگر سود آورد اگر سود نیاورد چون مخالف با ارتکاز است در اینجا می‌گوییم که معامله باطل است ایشان ضامن است . اگر از آن بیراهه رفت و دزد گرفت ایشان ضامن است ، اما اگر از بیراهه رفت و دزد هم نگرفت و سود را برد با ارتکاز معامله را درست می‌کنیم این می‌خواهد با ارتکاز ، من آمدم از راه دیگری از آن نهی سفری که ایشان فرمود به جای ارتکاز چون گفتیم در باب معاملات ارتکاز تاثیر ندارد لفظ باید نگاه بشود آن فایده‌ای ندارد ، ارتکاز را رها کنید .**

**می‌ماند در باب معاملات نکته‌ای که در باب معاملات می‌ماند این است که شرط خودش التزام مستقلی نیست اما در این جور موارد بگوییم شرط التزام مستقلی است ، چرا چون این سفر ربطی به خود مضاربه ندارد ، مضاربه یک قراردادی است پول می‌دهند جنس بخر ، این یک امر مثل اینکه نهی به خود عبادت نخورد به خارج عبادت بخورد مثل آن دیگر ، آن که مضاربه هست پول را بگیر جنس را بخر جنس را بفروش سود نصف است این مضاربه است . در ذات مضاربه نخوابیده که فلان جا نرو ، پس این نهی نمی‌دانم ملتفت می‌شوید؟ پس این نهی تاثیری روی خود عقد مضاربه ندارد . اما وقتی گفت کتاب را فروختم به شرطی که یک ورقه برای من بنویسی ببینید .**

**یکی از حضار : می‌شود مثل تخلیة السرب باشد که طرف از آن طریقی که خطر دارد نباید می‌رفته است و رفته است .**

**آیت الله مددی : نه این نهی است ما می‌خواهیم معامله را تحلیل کنیم .**

**یکی از حضار : چون مستقل بود ضمانت مال را نباید می‌داد در حالی که حضرت فرموده ضامن مال هست ولی سود بینشان تقسیم بشود .**

**آیت الله مددی : ضامن مال در صورتی که تلف بشود .**

**یکی از حضار : در صورتی که فخرج روایت می‌گوید**

**آیت الله مددی : نه فخرج فان سلم فالربح لذا در یکی‌اش هم داریم فان سلم متون مختلف بوده است . فان سلم اگر سالم ماند الربح بینهما . دارد سلم دارد ، نه سلم دارد .**

**یکی از حضار : در برخی از روایات نداشت**

**آیت الله مددی : می‌دانم مجموعش و مراد اینکه الربح بینهما سالم بماند دیگر**

**یکی از حضار : اگر دزد برده باشد که**

**آیت الله مددی : اگر دزد برد که ربحی ندارد دیگر .**

**ضمن اگر تلف شد یعنی بعبارة اخری اگر این طور ضمانتش به خاطر اینکه مخالفت نهی در سفر کرده گفت سفر نکن ، سفر کرد ضامن است . نه به خاطر مضاربه دقت کردید چه می‌خواهم بگویم ملتفت شدید ؟ زمانش، ظاهر روایت فقهای ما فهمیدند در مضاربه فاسد شده ضامن است نه آن ضمانش به خاطر مخالفت نهی است گفت سفر نکن سفر کرد ضامن است پست .**

**یکی از حضار : خوب آخر آن باید باز بشود چطور به چه مکانیسمی آن ضامن بشود ، مبلغ سر جایش است ولی او ضامن بشود ؟**

**آیت الله مددی : بله چرا چون گفته این کار را نکن انجام داد ، التزام هست دیگر خوب ، التزام داد که این سفر را نکند، دقت کردید این حالا طرح امروز ما برای مساله رویش فکر بکنید اصلا سنخ کار را عوض کرده که در اینجا بیاییم به این نحو ما آن وقت لذا خیلی نکته‌ی لطیفش ملتفت شدید کجا شد که اگر رفت و سالم ماند و رفت شام پول را دزدیدند ضامن هست یا نه ؟**

**یکی از حضار : بعد از تخلف ید عدوانی نمی‌شود شما می‌فرمایید ؟**

**آیت الله مددی : نه بعد از تخلف ید عنوانی نمی‌شود سالم است ، سفر فقط منهی بود کار منهی را انجام داد تمام شد مضاربه محفوظ است .**

**یکی از حضار : استاد عقلائا همین دو تا شرط وجود دارد .**

**آیت الله مددی : من فکر می‌کنم شاید عقلا با این موافق باشند اما ... احتمال می‌دهم آن وقت آن نتیجه را دقت کردید چه شد که اگر رفت شام و پول را دزدیدند دیگر ضامن نباشد چون در مضاربه ضمان نیست . اما اگر گفتیم مضاربه فاسد شد ضامن است چون مضاربه فاسد شده است .**

**وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین**